

جهان‌شهر

نمایی از برج میلاد

سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۳

برج میلاد

شماره ۴۲۲۵

نمایی از برج میلاد

FARHIKHTEGANDAILY.COM

نمایی از برج میلاد

FARHIKHTEGANONLINE



حانیه قاسمیان خبرنگار گروه جهان‌شهر

صعود کامالا هریس، نامزد دموکرات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات ۲۰۲۴ نشان‌دهنده پایداری و توانایی او در یازفزینی کمپین دموکرات هاست که تحت رهبری جو بایدن دچار افت شده بود. پس از عملکرد ضعیف بایدن در مناظره‌ها- که به‌طور قابل توجهی موقعیت ترامپ را تقویت کرد- ورود هریس به رقابت‌های انتخاباتی، چشم‌انداز سیاسی انتخابات پیش‌رو را تغییر داده است؛ به‌ویژه در ایالت‌های کلیدی مانند ویسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان که او با ۴ امتیاز از ترامپ پیشی گرفته است. هریس با موفقیت توانسته پایگاه دموکرات‌ها را جمع و حمایت رأی‌دهندگان قبیلابی تفاوت را جلب کند. یکی از عواملی که به افزایش شتاب او کمک کرده، نحوه مدیریت حساس مسائل ازجمله تغییر لحن او در سیاست‌خارجی است. در میشیگان، جایی که رأی‌دهندگان عرب‌آمریکایی و مسلمان از موضع بایدن در مورد غزه ناراضی بودند، لحن همدردانه‌تر هریس در مورد حقوق فلسطینی‌ها به او کمک کرده تا اندکی حمایت جمعیت مسلمان را به خود جلب کند. علاوه‌بر این، توانایی هریس در جلب توجه به گروه‌های جمعیتی مختلف، ازجمله اقلیت‌ها و جوانان پیشرو، نقشی کلیدی داشته است. بسیاری از این رأی‌دهندگان که نسبت به بایدن ناامید شده بودند، اکنون به حمایت از هریس روی آورده‌اند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که رویکرد او توانسته کمپین دموکرات‌ها در ایالت‌های نوسان‌پذیر را که برای پیروزی در کالج الکترال بسیار حیاتی است، احیا کند.

حزب جمهوری خواه،متوجه این وضع شده و رنگ‌های خطر درردن حزب به صدا درآمده‌اند؛ چراکه موج اولیه محبوبیت ترامپ پس از شکست بایدن در مناظره‌ها اکنون با افزایش برتری هریس در مناطق کلیدی به چالش کشیده شده. با اینکه تایید ترامپ همچنان در میان پایگاه او قوی است، کاهش فاصله در ایالت‌های منززل نشان‌دهنده رقابت فشرده پیش‌روست. توانایی هریس در تغییر روند به نفع خود، مهارت او را به عنوان یک نامزد توانمند در جلب ائتلاف‌های متنوع نشان می‌دهد و او را به حریفی قابل توجه برای کمپین جمهوری خواهان تبدیل کرده است. در آستانه اولین مناظره کامالا هریس و دونالد ترامپ، بازار نظرسنجی‌ها در ایالات متحده داغ است. مراکز نظرسنجی متعددی، نظرسنجی‌های خود را منتشر می‌کنند که آمار و ارقام آنها گاهی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. با توجه به اینکه عمده این نظرسنجی‌ها توسط موسسات خصوصی وابسته به احزاب آمریکا انجام می‌شوند، بسیاری از کارشناسان اعتبار نظرسنجی‌ها را مورد پرسش قرار داده‌اند. تفاوت نظرسنجی‌های منتشر شده در انتخابات‌های سال ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ آمریکا با واقعیت رقم خورده، به تردیدها درباره اعتبار نظرسنجی‌های انتخابات آمریکا دامن زده است.

عملکرد صنعت نظرسنجی در انتخابات آمریکا

اعتماد به نظرسنجی‌های عمومی در ایالات متحده در پیی خطاهایش در انتخابات‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ متزلزل شد. در هر دو انتخابات عمومی، بسیاری از نظرسنجی‌ها، قدرت نامزدهای جمهوری خواه، ازجمله دونالد ترامپ را دست‌کم گرفته بودند. این خطاهای برخی محدودیت‌های واقعی نظرسنجی‌ها را آشکار کرد. در انتخابات میان‌دوره‌ای که پس از این انتخابات‌ها برگزار شد، عملکرد نظرسنجی‌ها بهتر بود. اما بسیاری از آمریکایی‌ها همچنان نسبت به اینکه آیا نظرسنجی‌ها می‌توانند تصویری دقیق از ترجیحات سیاسی عمومی ارائه دهند، تردید دارند. چالش‌هایی که نظرسنجی‌ها با آنها مواجه‌اند، انکارناپذیر است. علاوه‌بر مشکلات قدیمی مانند افزایش عدم پاسخگویی و هزینه‌ها، تابستان ۲۰۲۴ رویدادهای غیرعادی‌ای را به همراه داشت که فضای انتخابات ریاست‌جمهوری را متحول کرد. افرادی با دانش عمیق از نظرسنجی‌ها به سختی در حال کار برای حل مشکلات آشکار شده در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ هستند و از

بررسی فرایند نظرسنجی‌ها در سایه اولین مناظره ترامپ–هریس

صنعت نظرسنجی دروغ هم می‌گوید؟



منابع داده‌ها و روش‌های مصاحبه بیشتری نسبت به گذشته استفاده می‌کنند. با این حال، نظرسنجی‌ها زمانی برای عموم مفیدترند که مردم آمریکا توقعات واقعی‌تری از آنها داشته باشند.

چگونه نظرسنجی‌های انتخاباتی انجام می‌شوند؟

نظرسنجی‌کنندگان در واکنش به مشکلات انتخابات‌های قبلی، تغییراتی اعمال کرده‌اند. به این ترتیب نظرسنجی‌های امروز با نظرسنجی‌های سال ۲۰۱۶ متفاوت است. اکثر سازمان‌های نظرسنجی ایالات متحده که نظرسنجی‌های ملی را در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۲ انجام داده و منتشر کردند (۶۱ درصد) از روش‌هایی در سال ۲۰۲۲ استفاده کردند که با آنچه در سال ۲۰۱۶ استفاده می‌کردند متفاوت بود. از سال ۲۰۲۲ تغییرات ادامه داشته است. یکی از تغییرات این است که تعداد سازمان‌های فعال نظرسنجی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته‌که نشان می‌دهد منابع کمتری برای ورود به عرصه نظرسنجی وجود دارد. تعداد سازمان‌هایی که نظرسنجی‌های ملی انتخاباتی انجام می‌دهند بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ بیش از دو برابر شده است. پیش‌بینی اینکه چه کسانی رأی خواهند داد؛ حیاتی و دشوار است. نظرسنجی‌های پیش از انتخابات با یک چالش مهم مواجه‌اند که نظرسنجی‌های معمولی با آن رویه‌یونینستند.تعیین اینکه چه کسی از افراد نظرسنجی شده در نهایت رأی خواهد داد. علم‌رئی توجه‌زیاد به این انتخابات‌ها، حدود یک سوم از آمریکایی‌های واجد شرایط در انتخابات ریاست جمهوری رأی نمی‌دهند. تعیین اینکه چه کسانی از رأی دادن خودداری خواهند کرد، دشوار است زیرا مردم نمی‌توانند به‌طور کامل رفتار آینده خود را پیش‌بینی کنند. بسیاری از مردم آمریکا احساس فشار اجتماعی می‌کنند که بگویند رأی خواهند داد، حتی اگر احتمال کمی وجود داشته باشد. هیچ‌کس نمی‌داند چه گروه‌هایی از رأی‌دهندگان پیش از روز انتخابات شرکت خواهند کرد. نمی‌توان مطمئن بود که آیا جوانان بیشتر از خدمه‌معمل شرکت خواهند کرد یا اینکه گروه‌های نژادی یا قومی کلیدی این کار را انجام خواهند داد. این بدان معناست که نظرسنجی‌کنندگان مجبورند حدس‌های تحمیلی درباره میزان مشارکت بزنند، معمولاً با استفاده از ترکیبی از داده‌های تاریخی و اندازه‌گیری‌های فعلی از اشتیاق به رأی دادن. این بسیار متفاوت از نظرسنجی‌های معمولی است که عمدتاً از مردم آمریکا درباره نیت آینده آنها سوال نمی‌کنند.

زمانی که اخبار مهم منتشر می‌شود، زمان بندی یک

نظرسنجی می‌تواند مهم باشد

نظر افکار عمومی در بیشتر مسائل به‌طور شگفت‌آوری پایدار است، بنابراین

۵ درصد چندان نگران‌کننده نیست اگر هدف نظرسنجی توصیف این باشد

که آیا عموم مردم آمریکا دیدگاه مطلوب یا نامطلوبی نسبت به نامزدها دارند یا اینکه نشان دهد کدام مسائل برای رأی‌دهندگان مهم است. در سولاتی که به سنجش موقعیت مردم آمریکا در مورد مسائل می‌پردازد، معمولاً می‌خواهیم بدانیم به‌طور کلی مردم آمریکا در کجا ایستاده‌اند و نیازی به دانستن درصد دقیق آمریکایی‌هایی که مثلاً می‌گویند تغییرات اقلیمی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های انسانی است، نداریم. حتی اگر عملکرد نظرسنجی‌ها در انتخابات اخیر را ارزیابی کنیم، نظرسنجی‌ها همچنان می‌توانند تصویر دقیقی از احساسات عمومی درباره مسائل مهم روز ارائه دهند.

در مقایسه با دیگر انتخابات ۲۰ سال گذشته، نظرسنجی‌ها در زمان حضور دونالد ترامپ در انتخابات کمتر دقیق بودند. نظرسنجی‌های پیش از انتخابات سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰، زمانی که ترامپ کاندیدای انتخابات بود، دچار خطاهای بزرگی شدند؛ به‌ویژه در سطح ایالتی. اما این نظرسنجی‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲، زمانی که او در انتخابات حضور نداشت، عملکرد نسبتاً خوبی داشتند. در طول کمپین ۲۰۱۶، ناظران درباره احتمال اینکه حامیان ترامپ کمتر مایل به ابراز حمایت خود در یک نظرسنجی باشند، حدس‌هایی زدند؛ پدیده‌ای که گاهی به‌عنوان «اثر ترامپ خجالتی» توصیف می‌شود. اما یک کمپته از کارشناسان نظرسنجی پنج آزمایش مختلف از تئوری «ترامپ خجالتی» را ارزیابی کرد و برای هرکدام از آنها شواهد کم‌با هیچ مدرکی پیدا نکرد. بعدها مرکز تحقیقات پیو و در یک آزمایش جداگانه، یک محقق از دانشگاه بیل نیز شواهدی کم برای حمایت از این ادعا یافتند یا هیچ شواهدی نیافتند. توضیح دیگر این است که جمهوری‌خواهان در دوره ترامپ کمی کمتر از دموکرات‌ها مایل به شرکت در نظرسنجی‌ها بوده‌اند. نظرسنجی‌کنندگان این را «تعصب عدم پاسخ حزبی» می‌نامند. شگفت‌آور است که نظرسنجی‌ها به‌طور تاریخی هیچ الگوی خاصی برای جانبداری از یک طرف یا طرف دیگر نشان نداده‌اند. خطاهایی که در هشت سال گذشته به نفع نامزدهای دموکرات بودند، ممکن است نتیجه رشد قطبی‌سازی سیاسی به‌همراه کاهش اعتماد در میان محافظه‌کاران به سازمان‌های خبری و دیگر نهادهایی که نظرسنجی‌ها را انجام می‌دهند، باشد. صرف‌نظر از علت، این واقعیت که ترامپ دوباره نامزد حزب جمهوری خواهان است، به این معناست که نظرسنجی‌کنندگان باید به‌طور ویژه مراقب باشند تا مطمئن شوند همه بخش‌های جمعیت به‌درستی در نظرسنجی‌ها نمایندگی می‌شوند.

حاشیه واقعی خطا اغلب حدود دو برابر مقداری است که گزارش می‌شود. نمونه نظرسنجی انتخاباتی معمولی با حدود ۱۰۰۰ نفر دارای حاشیه خطای نمونه‌گیری است که حدود سه درصد مثبت یا منفی است. این عدد نشان‌دهنده عدم قطعیتی است که از گرفتن یک نمونه از جمعیت به‌جای مصاحبه با همه افراد ناشی می‌شود. نمونه‌های تصادفی احتمالاً به‌طور جزئی با جمعیت تفاوت دارند، درست همان‌طور که کیفیت دست شما در یک بازی ورق از یک دور به دور دیگر متفاوت است. مشکل این است که خطای نمونه‌گیری تنها نوع خطایی نیست که بر نظرسنجی تأثیر می‌گذارد. انواع دیگر خطاهای در واقع می‌توانند به بزرگی یا بزرگ‌تر از خطای نمونه‌گیری باشند. بنابراین، حاشیه خطای گزارش‌شده می‌تواند باعث شود مردم آمریکا فکر کنند نظرسنجی‌ها دقیق‌تر از آنچه واقعاً هستند، به نظر می‌آیند. سه خطای دیگر به‌همان اندازه مهم در نظرسنجی وجود دارد: خطای عدم پوشش؛ جایی که همه جمعیت هدف فرصتی برای نمونه‌گیری ندارند، خطای عدم پاسخ‌دهی؛ جایی‌که ممکن است گروه‌های خاصی از مردم آمریکا کمتر مایل به شرکت باشند و خطای اندازه‌گیری؛ جایی که مردم آمریکا ممکن است به‌درستی سوالات را درک نکنند یا نظرات خود را به‌درستی گزارش نکنند. تنها حاشیه خطای این موارد دیگر خطای بالقوه را حساب نمی‌کند، بلکه قرار دادن عددی فقط بر خطای نمونه‌گیری، به‌عموم این تصور را می‌دهد که انواع دیگر خطاها وجود ندارند.

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره پروژه انتقال گاز ترکمنستان از افغانستان

ایران یک کلان‌استراتژی در حوزه کریدورها ندارد

وزیر امور خارجه طالبان مجدد اعلام کرده با توجه به امنتی که در طالبان برقرار شده، به یاداند احداث خط لوله تاپی را در دستور کار قرار دهند و اقدامات ابتدایی را انجام دهند. از سوی دیگر رزمه‌هایی درخصوص کریدور زنگه‌زور در رسانه‌ها منتشر شد. شمارد تحلیل‌های پیشین خود به مساله خفگی ژئوپلیتیکی ایران اشاره کرده بودید. سوال ما این است که با توجه به این هم‌زمانی طرح زنگه‌زور و خط لوله تاپی که ایران را دور می‌زند، می‌توانیم محوریت تحلیل‌هایمان را معطوف به



فاطمه بریمانی خبرنگار گروه جهان‌شهر

اعلام آغاز کار عملی پروژه خط لوله «تاپی» در افغانستان و مناقشات بر سر کریدور زنگه‌زور نگرانی‌هایی را در ایران به‌دنبال داشته است؛ این نگرانی‌ها عمدتاً پیرامون تلاش غرب برای خفگی ژئوپلیتیکی ایران است. خط لوله تاپی یک مسیر انتقال انرژی است که بناست گاز راز ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند ارسال کند. با توجه به مسیر مشخص‌شده برای لوله‌های انتقالی، ایران که اکنون مسیر امن‌تری را برای ترکمنستان فراهم کرده، از معادلات کنار گذاشته شده و لوله‌ها از مسیر ناام افغانستان و با ریسک بالاتری گذر خواهند کرد. هماهنگی‌های ابتدایی مبنی بر طرح این پروژه مربوط به سال ۲۰۱۶ بود که به دلایل متعدد از دستور کار افغانستان و دیگر کشورهای منطقه کنار گذاشته شد. وجود ناامتی و بی‌ثباتی ناشی از حضور نظامی آمریکا در افغانستان، درگیری با طالبان و پس از آن قدرت‌گیری طالبان موجب شد هیچ یک از شرکت‌ها ریسک سرمایه‌گذاری برای احداث این خط لوله را نپذیرد و اقدامات ابتدایی نیز در همان مراحل آغازین متوقف شود. اکنون طالبان با وعده برقراری امنیت، مجدداً خواهان اجرای این طرح و تأسیس خط لوله انتقالی است. این درحالی است که این ادعای طالبان با درگیری‌های منطقه‌ای و ظهور پدیده داعش خراسان در تعارض است. از سوی دیگر در صورت تصمیم به احداث این خط لوله، طرح مذکور رقیب جدی طرح خط لوله ایران- پاکستان موسوم به لوله صلح خواهد بود و ایران را در انزوا و محاصره ژئوپلیتیکی قرار خواهد داد. به جهت اهمیت مساله و بررسی توان ایران در مدیریت این بحران، با شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل که پیش‌تر به تلاش‌های غرب برای «خفگی ژئوپلیتیکی ایران» اشاره کرده بود، گفت‌وگو کرده‌ایم.

وزارت امور خارجه طالبان مجدد اعلام کرده با توجه به امنتی که در طالبان برقرار شده، به یاداند احداث خط لوله تاپی را در دستور کار قرار دهند و اقدامات ابتدایی را انجام دهند. از سویی دیگر رزمه‌هایی درخصوص کریدور زنگه‌زور در رسانه‌ها منتشر شد. شمارد تحلیل‌های پیشین خود به مساله خفگی ژئوپلیتیکی ایران اشاره کرده بودید. سوال ما این است که با توجه به این هم‌زمانی طرح زنگه‌زور و خط لوله تاپی که ایران را دور می‌زند، می‌توانیم محوریت تحلیل‌هایمان را معطوف به

آمریکایی‌ها تا درگیری با طالبان و حلافت‌ردت گرفتن آنها ناامنی را در این کشور بیشتر

کرده و مانع از برداشتن گام‌های ابتدایی برای تأسیس این خط لوله شده بود. سوال این است که با توجه به وضعیت فعلی افغانستان- که برخلاف ادعای طالبان، با مساله داعش خراسان و درگیری‌های پاکستان مواجه است- تا چه میزان شرایط برای اجرایی کردن این پروژه و برداشتن گام‌های ابتدایی مهیا است؟
مساله فقط امنیت در افغانستان نیست. در واقع امنیت افغانستان یکی از ابعاد مرتبط با خط لوله تاپی است. همچنان موضوعات دیگری هم پیرامون این مساله وجود دارد. یکی از این موضوعات سرمایه‌گذاری برای احداث این خط لوله است. در گذشته توافقاتی شده بود. در این توافقات تخمین زده شده بود که چنین پروژه‌ای و انتقال گاز ترکمنستان به هند و پاکستان حدود ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌نیاز دارد. به دلیل مشمول زمان شدن طرح، الان مشخص نیست توافقات در چه شرایطی قرار دارند. اینکه آیا این طرف‌های قرارداد با شرکت‌ها حاضرند مجدداً مشارکت داشته باشند و این پروژه را با همان شرایط پیشین به پیش ببرند یا شرایط جدیدی مطرح خواهد شد؟ این خودش موضوعی جدی است. البته باید توجه داشت حکومت طالبان در افغانستان نیز به رسمیت شناخته نشده است. شاید برخی از شرکت‌هایی که متعلق به کشورهای غربی هستند یا حتی شرکت‌های کشورهای منطقه، ملاحظاتی در این باره داشته باشند. نکته دیگر مسیر این خط لوله است. اینکه برخی از نقاط به دلیل کوهستانی بودن منطقه، عمل‌امسیری صعب‌العبور، سخت و دشوارند. خود این امر نیازمند تکنولوژی‌های قوی برای همپاؤر‌گاز در حرجم بالا و همچنین تکنولوژی‌هایی است که بتوانند انتقال را پیش ببرد، بنابراین هم معضلات فنی و هم دشواری‌های جغرافیایی به مشارکت اعلام نشده است. اختلافاتی که بین افغانستان و پاکستان است و نیز به شکل سنتی بین پاکستان و هند وجود دارد، خودشان مزید بر علت‌اند که این همکاری‌های منطقه‌ای بین این کشورها را می‌توانند تحت تأثیر قرار دهند، بنابراین به جز موضوع امنیت، موضوعات دیگری هم وجود دارند که به‌هرحال پیشبرد پروژه را می‌توانند با چالش جدی مواجه کنند.

^[1] وزیر امور خارجه طالبان مجدد اعلام کرده با توجه به امنتی که در طالبان برقرار شده، به یاداند احداث خط لوله تاپی را در دستور کار قرار دهند و اقدامات ابتدایی را انجام دهند